

دستگاه روحانیت و خطر پروتستانتیسم اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

زهرا عباسی[[1]](#footnote-1)

چكيده

دنياي غرب بعداز انقلاب صنعتي و به دست آوردن پيشرفت­هاي علمي وتجربي دنبال سيطره بر كل جهان بوده وهست؛ وبراي استعمار و استثمار كشور­هاي جهان درصددبرآمده است كه فرهنگ خود را به ديگر نقاط جهان صادر كندواينگونه ملت­ها وكشورهاي جهان را برده خود سازدو منابع آنهارا استفاده كند.در عصر حاضر فرهنگ مدرنيته ازسوي غرب به ساير ملل جهان درحال تحميل است. ايران نيز ازاين هجمۀ مدرنيته در امان نيست؛ وحوزه وروحانيت به عنوان متوليان دين كه وظيفه مراقبت از دين اسلام ونظام­اسلامي را بر عهده دارند بايد به وظايف خود به درستي عمل كنندچرا كه در غير اينصورت نه تنها دين و نظام اسلامي بلكه خود حوزه و روحانيت از صدمه وانزوا وانفعال وتحجر و سكولاريسم مصون نيست و اين همان پرو تستانتيسم اسلامي است.در اين مقاله مجموعه سخنان مقام معظم رهبري (مدظله) به شيوۀتوصيفي ونقلي جمع آوري شده است؛ تا روحانيت وظايف خود را در قبال اين مسأله بشناسد و به وظايف خود عمل كند.

**كليد واژه ها:**انزوا،پروتستانتيسم اسلامي،تحجر،روحانيت،سكولاريسم.

مقدمه

پروتستانتيسم در لغت به معناي اعتراض است.پروتستانتيسم اسلامي به دوصورت تفسير مي­شود.ازيك سو:اصلاح دردرون حوزۀ دين كه سعي دارد دين را از كژي ­ها و كاستي­ها خالي سازد تا متناسب با اوضاع زندگي فردي و اجتماعي بشر بالاترين تأثير را بگذارد.از سوي ديگر اصلاح ديني برنامه­اي است كه درون مايه­ها وعناصر فرهنگ ديني را براساس الگوهاي بيروني بازسازي مي كند­ و شرايط را براي حضور مدرنيته در جوامع ديني فراهم مي­سازد.

با توجه به فوايد ارزشمندي كه مقاله پيش­رو به دنبال دارد لذا پرداختن به اين موضوع امري ضروري است . اولاً حوزه وروحانيت وظايف خودرا از نظر مقام معظم رهبري در قبال هجمۀ فرهنگ غربي مدرنيته بازمي­شناسد.ثانياً با مخاطرات عمل نكردن به اين وظايف آشنا مي­شود.ثالثاً به فوايد عمل كردن به وظايف خود دست مي­يابند از قبيل حضور دين در سياست يا حضور مثبت ونقش آفريني فعال حوزه و روحانيت در جامعه،تحول وبه روز بودن.

مقالاتي پيرامون رسالتهاي حوزه وروحانيت از ديدگاه مقام معظم رهبري وهم­چنين بيان مواردي از مصاديق پروتستانتيسم مثل سكولار در حوزه نگارش يافته اند.اما وجه امتياز مقاله پيش­رو نسبت به مقالات ديگر اين است كه اين مقاله به رسالت­هاي حوزه وروحانيت در قبال هجمۀ مدرنيته واز طرفي به مخاطرات عمل نكردن حوزه به وظايفش در قالب پروتستانتيسم اسلامي مي­پردازد.

حوزه وروحانيت به عنوان متوليان دين چه وظايف و رسالت­هايي در قبال هجمۀ مدرنيته دارند؟خطر پروتستانتيسم اسلامي درقالب چه مصاديقي حوزه­هاي علميه را تهديد مي­كند؟اين وظايف ومخاطرات از ديدگاه مقام معظم رهبري چه مي­باشد؟ اين مقاله درصدد پاسخگويي به اين سؤالات است.

وظایف روحانیت

مقام معظم رهبری در سخنرانیها وجلسات متعدد وظایف روحانیت وحوزه را بیان نموده است.از این وظایف مواردی را که در مقابل هجمۀ فرهنگ و تمدن غرب و مدرنیته است بدین شرح می باشد:

1ـ ورود در مباحث فلسفی، فقهی وکلامی دنیا

از آنجایی که حوزه های علمیه و روحانیت ا ولاً وبالذات رسالت تعلیم و روشنگری دینی دارند باید دارای مبانی فکری، فلسفی و فقهی قوی باشند، ودر همه صحنه ها حضوری تأثیر گذار ومنحصر به فرد داشته باشند، این مهم در وضعیت فعلی دنیا در حوزه های فلسفی وکلامی بیشتر از سایر حوزه­ها احساس می­شود، لذا مقام معظم رهبری در موارد متعدداین موضوع را گوشزد نموده و می فرمایند:

« امروز حوزه نباید در صحنه های متعدد فلسفی وفقهی وکلامی در دنیا غائب باشد. این همه سؤال در دنیا و در مسائل گوناگون مطرح است؛ پاسخ حوزه چیست؟نه باید غائب باشد، نه باید منفعل باشد؛ هردو ضرر دارد. فکر نو لازم است، پاسخ به نیاز­های نو لازم است که دارد مثل سیل در دنیا مطرح می­شودپاسخ به نیاز­های نو لازم است که دارد مثل سیل در دنیا مطرح می­شود؛ باید شما برایش جواب فراهم کنید. جواب شما باید ناظر باشد به این نیاز، ونیز ناظر باشد به پاسخ­هایی که مکاتب و فرقه های گوناگون می­دهند ...[[2]](#footnote-2)».

ايشان در فراز ديگر با توجه به اهميت فلسفه مي فرمايند: « اهميت فقه و عظمت فقه نبايد مارا غافل كند از اهميت درس فلسفه و رشته فلسفه وعلم فلسفه ؛ هركدام از اين­ها مسئوليتي دارند . رشته­ي فقه مسئولياتي دارد، فلسفه هم مسئوليت­هاي بزرگي بر دوش دارد. پرچم فلسفه اسلامي دست حوزه­هاي علميه بوده است وبايد باشد و بماند.اگر شما اين پرچم را زمين بگذاريد، ديگراني كه احياناً صلاحيت لازم را ندارند، اين پرچم را برمي­دارند؛ تدريس فلسفه ودانش فلسفه مي­افتد دست كساني كه شايد صلاحيت­هاي لازم را برايش نداشته باشند. امروز اگر نظام وجامعۀ ما از فلسفه محروم بماند، در مقابل اين شبهات گوناگون، اين فلسفه هاي وارداتي مختلف، لخت و بي­دفاع خواهد ماند. آن چيزي كه مي­تواند جواب شماها را بدهد، غالباً فقه نيست؛ علوم عقلي است ؛ فلسفه وكلام . اينها لازم است .در حوزه، اينها رشته­هاي مهمي است[[3]](#footnote-3).»

مقام معظم رهبری در همین راستا مطالعه کتب شهید مطهری را به همه طلاب توصیه نموده و می­فرمایند: « من لازم میدانم وبارها هم این نکته را گفته ام که همه طلاب و همه اهل منبر، یک دور آثار آقای مطهری را بخوانند ... یکی از کارهای لازم در حوزه­ها مطالعۀ آثار ایشان است . جوانان عزیز ما باید با آثار شهید مطهری آشنا شوند . اگر بنده می­خواستم برنامۀ حوزۀ علمیۀ قم را بنویسم، بلا شک یکی از موارد برنامه را این می­گذاشتم که کتابهای آقای مطهری خوانده شود، خلاصه نویسی شود و امتحان داده شود.البته در این آثار هم نباید متوقف شد[[4]](#footnote-4).».

2ـ پاسخگويي به شبهات

مقام معظم رهبري بارها در ديدارهاي مختلف با روحانيون، انگيزۀ دشمنان در رابطه با طرح شبهات را از بين بردن پشتوانه هاي انساني نظام دانسته ومي فرمايند: « امروز شبهه­هايي مطرح مي­شود كه آماج آن شبهه­ها نظام است. شبهات ديني، شبهات سياسي، شبهات اعتقادي ومعرفتي که در متن جامعه تزريق مي­شود ـ به خصوص در ميان جوانان ـ هدفش فقط اين است كه يكي را از يك فكري منتقل كند به يك فكر ديگري؛ هدفش اين است كه پشتوانه­ها­ي انساني نظام را از بين ببرد؛ مباني اصلي نظام را در ذهن­ها مخدوش كند؛ دشمني با نظام است. لذا برطرف كردن اين شبهه ها، مواجهۀ با اين شبهه­ها، پاك كردن اين غبارها از ذهنيت جامعه ـ كه به وسيلۀعلما­ي دين انجام مي­گيرد ـ اين هم يك پشتيباني ديگر ـ يك پشتوانۀ ديگر براي نظام اسلامي است[[5]](#footnote-5).».

معظم له از علمای دین به عنوان مرزداران عقیده می­خواهند که به این شبهات پاسخ گویند: « شبهه­ها­یی که در ذهن جوان شما، دانشجوی شما، حتی دانش­آموز شما القاء می­کنند، شبهه­ها­یی از جنس روز است. در مقابل این کی می­خواهد بایستد؟ غیراز علمای دین، غیراز مرزداران عقیده، چه کسی باید در مقابل این تیر­های مسموم و زهرآگین بایستد وقرار بگیرد[[6]](#footnote-6) ؟».

مقام معظم رهبري پاسخگويي به شبهات را يكي از مهم ترين چالشها­ي پيش روي حوزه­ها دانسته و مي­فرمايد : « امروز روحانيت ما با دو گونه چالش مواجه است ... .يكي رفع شبهات است . شبهات هميشه بوده، اما نوع شبهات متفاوت بوده است ... شما امروز با اين چالش مواجه ايد ... امروز نشر افكار باطل نه فقط به وسيلۀ ابزارها­ي ارتباط جمعي فراوان ـ مثل راديو، تلويزيون، اينترنت و انواع و اقسام روش­هاي الكترونيكي ـ انجام مي­گيرد، بلكه ازشيوه­ها­ي هنري هم استفاده مي­شود . امروز در دنيا پول خرج مي­كنند و فيلم­هاي گران قيمت مي­سازند، براي اينكه غير مستقيم فكري را وارد ذهنها كنند يا فكري را از ذهنها بيرون بياورند . يكي از مهم ترين نقاط آماج اين كارها، افكارديني و به­خصوص افكار اسلامي است . البته بعد از برپاشدن جمهوري اسلامي ، به­خصوص افكارشيعه هم آماج همين چيزها قرار گرفته است ...[[7]](#footnote-7)».

ایشان ورود شبهه به ذهن جوان را یک امر طبیعی دانسته واز فضلا می­خواهند همانند شهید مطهری خود را آماده مقابله کنند: « شما اگر در میان جوانان بروید ، می­بینید جوان خوب ماهم گاهی در ذهنش شبهه وجود دارد. ایرادی هم ندارد؛ شبهه به ذهن همه میاید؛ نباید به جوان ایراد گرفت که توچرا شبهه داری. وقتی ذهن فعال وکارگر شد، شبهه به ذهن میاید. بر عهدۀ ما طلبه­هاست که این شبهه­ها را با پیشگیری یا با درمان برطرف کنیم . چالش عمدۀ امروز شما این است؛ چه کاری می­خواهید بکنید؟ خطاب من، هم به بزرگان حوزه­هاست ، هم به طلاب و فضلای جوان حوزه­ها : چه کار می­خواهید بکنید؟... کاری که شهید مطهری کرد، امروز باید همۀ فضلا­ی جوان درصدد باشند خود را برای آن آماده کنند ؛ و اگر آماده هستند، اقدام کنند. شهید مطهری به عرصۀ ذهنیت جامعه نگاه کرد و عمده ترین سؤالات ذهنیت جامعۀ جوان و تحصیلکرده وروشنفکر کشور را بیرون کشید وآنها را با تفکر اسلامی و فلسفۀ اسلامی و منطق قرآنی منطبق کرد وپاسخ آنها را در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت؛ ...[[8]](#footnote-8)».

3ـ مبارزه با خرافات

از جمله مسائل مانند شبهات مسئله نشر خرافات است كه معمولاًبا استفاده از سادگي و جهل عده­اي از مردم توسط برخي شيادان صورت مي­گيرد. مقام معظم رهبري در اين رابطه مي­فرمايد : « مسئله ديگر، مبارزه با خرا­فات است . در كنار ترويج وتبليغ معارف اصيل ديني و اسلام ناب، بايد با خرافات مبارزه كرد. كساني دارند روز به روز خرافات جديدي را وارد جامعۀ ما مي­كنند . مبارزۀ با خرافات را بايد جدي بگيريد. اين روش علما بوده ... در مبارزۀ با خرافات شجاع باشيد. البته خرافه چيست؟ خود اين مهم است . بعضي­ها هستند كه حقايق ديني را هم به عنوان خرافه انكار مي­كنند . ماكاري با آنها نداريم. آنچه كه با كتاب و سنت متقن و معتبر ثابت شده ، از دين است؛ چه حالا عقول بپسندند يا نپسندند . از اين حمايت ودفاع كنيد. آنچه كه با دليل معتبر ثابت نشده است و با مباني و اصول ديني معارضه ندارد ، دربارۀ آن ساكت بمانيد . آنچه كه با يكي از اصول ديني معارضه دارد و مدرك معتبري ندارد، ردَش كنيد. اين مي­شود خرافه ، و معيار خرافه اين است. امروز شما ببينيد مدعيان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غيب ، با شكلها­ي مختلف در جامعه دارند كار مي­كنند . البته اين همه نشانۀ اين است كه گرايش به دين، يك عنصر اصلي در زندگي مردم است . مردم به مسائل ديني علاقه دارند كه آدم خرافه ساز مي­رود خرافه درست مي­كند؛ چون آن كالاي اصلي در اختيارش نيست، كالاي تقلبي را به ميدان مي­آورد تا اينكه مردم را جذب كند. اين نشانۀ گرايش مردم به دين است . اما خوب ، اين خطرناك است. در مقابلۀ با خرافات وآن چيزهايي كه از دين نيست، شجاع باشيد وبگوييد. ملاحظۀ اينكه حالا ممكن است كسي بدش بيايد يا ممكن است چه بكند، نكنيد؛ كه غالباً در مواردي انسان متأسفانه مي­بيند كه اين مراعاتها هست ...[[9]](#footnote-9)».

4ـ دفاع از دین اسلام و تفسیر مفاهیم اسلامی

 انتظاری که از حوزه­ها­ی علمیه و روحانیت می­رود، تبیین وتفسیر دین ؛ یعنی، قرآن و مکتب اهل بیت علیهما السلام است، این مهم پس از انقلاب اسلامی که تشنگان معارف اسلام ناب محمدی(ص) از اقصی نقاط جهان مطالبه درک وفهم صحیح آن را می­کنند، صد چندان شده است، از این رو رهبر معظم انقلاب مطالبه خود از حوزه وروحانیت آگاه و دلسوز به عنوان سربازان نظام اینگونه مطرح می­کنند : « روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد ... هدفش حفظ دین است ... دائم بایستی صادرات قم همانطور که عرض کردیم، این قلب معرفتی دنیای اسلام، پمپاژبشود ... حوزه­های علمیه وعلما­ی دین پشتوانه هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را دراین زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند،آنهارا دراختیار بگذارند، برای برنامه ریزی، برای زمینه سازی­ها­ی گوناگون[[10]](#footnote-10).».

معظم له در تشريح ابعاد نيازها مي­فرمايند:« در زمينه­هاي گوناگون، امروز نياز وجود دارد؛ هم براي نظام اسلامي، هم در سطح كشور، هم در سطح جهان، تبيين معرفت شناسي اسلام ، تفكر اقتصادي و سياسي اسلام، مفاهيم فقهي وحقوقي­اي كه پايه­هاي آن تفكر اقتصادي وسياسي را تشكيل مي­دهد، نظام تعليم وتربيت، مفاهيم اخلاقي ومعنوي، غيره، همۀ اينها بايد دقيق، علمي، قانع كننده وناظر به انديشه­هاي رايج جهان آماده و فراهم شود؛ اين كار حوزه­هاست. با اجتهاد، اين كار عملي است. اگر ما اينكار را نكنيم ، به دست خودمان كمك كرده­ايم به حذف دين از صحنۀ زندگب بشر؛ به دست خودمان كمك كرده­ايم به انزواي روحانيت ...[[11]](#footnote-11).

5 ـ ضرورت نیاز شناسی وزمانشناسی علما و روحانیت شیعه وسنی

اولین گامی که مقام معظم رهبری در راستای رسالت حوزه­های علمیه مهم می­دانند، زمانشناسی و درک­کردن لحظه­هاست . معظم­له درباره شرایط حضور مناسب در حوزه به دو نکته اساسی اشاره می کند و در همین راستا می­فرماید:«نیاز لحظه­هارا برآورده کردن کار کمی نیست. اولاً،درک واستعداد وتیزبینی می­خواهد.ثانیاً؛ شجاعت وشهامت می­خواهد که وقتی دیگران کاری را نمی­کنند اوانجام دهد[[12]](#footnote-12).»

زماني روحاني مي­تواند در جامعه رسالتش را به خوبي انجام دهد كه آگاه به زمان باشد وبداند در چه زماني، كداميك از مباني اسلامي را بايد ترويج بكند وبه همين خاطر است كه مي­گويند مرجع تقليد بايد زمان شناس باشد تا بتواند در هر عصري طبق قرآن وسنت فتاواي مربوط به آن برهه از زمان را به خوبي استخراج كند. بنابراين انتظار رهبري از روحاني وعالم ديني در جامعۀ امروز جهاني اين است كه «روحاني اين زمان ازاين امكان بايد حداكثر استفاده را بكند، با افكار جديد آشنا شود، راهها و شيو­ه­هاي دشمن را بشناسد وبه زمان خودمان عالم شود؛«العالم بزمانه لاتهجم عليه اللّوابس[[13]](#footnote-13).»

شناخت را­ه­های نفوذ دشمن برای انحراف نسل جوان ویا تخریب چهرۀ علمای دینی ازجمله مواردی است که از نظر رهبری ضرورت زمانشناسی ونیاز­شناسی را برای روحانیت دوچندان می­کند:« زمان پیشرفته، تغییر زیاد شده، راه­های نفوذ در ذهن جوانها زیاد شده. این راه­ها را باید بشناسیدوبه خصوص باید مواجهه با دشمن را در حوزۀ تفکر واحساس جوانها اهمیت بدهید وبدانید که دشمن اولین نقطه هایی را که مورد توجه قرا می­دهد، آن نقطه فعال است که یکی از بخشها­ی آن، عبارت است از نسل جوان، ...البته یکی از نقاط حساس هم علما­ی دین هستند؛دشمن آنجارا هم به انواع مختلف واشکال گوناگون هدف قرار میدهد[[14]](#footnote-14).»

مقام معظم رهبري حركت هدفمند وبرخورد مناسب با نقشه دشمن در حوزه­هاي مختلف فكري وسياسي را از برنامه­هاي لازم علماي ديني دانسته ومي­فرمايند:«بايد به تناسب تهمتهايي كه به ما مي­زنند وبه تناسب فحش­هايي كه به ما مي­دهند و به تناسب كتابهايي كه بر عليه ما مي­نويسند، نيازها را بدانيم. مركز وبانك اطلاعات حوزه كجاست كه اينها را نگاه كند ودربارۀ آن موضوعات تحقيق نمايد و بنويسد؟ يكي از كارهايي كه حوزه بايد انجام بدهد، همين است؛يعني مركزي داشته باشد وكتابهايي را كه در دنيا راجع به انقلاب نوشته­اند، جمع كند؛ چه آنهايي كه مستقيماً دربارۀ انقلاب است وچه آنهايي كه به خاطر انقلاب ، به شيعه يا اسلام فحش داده­اند وچه كتابهايي كه از ما تعريف كرده­اند و نقاط قوت مارا يادآور شده­اند[[15]](#footnote-15).».

اگر حوزه­های علمیه به وظایفی که نام برده شد عمل نکنند و یا در انجام این وظایف کوتاهی کنند باخطرات جبران ناپذیری روبرو می­شوند که از مهم­ترین این خطرات پروتستانتیسم اسلامی می­باشد. مقام معظم رهبری به طور صریح در بیاناتشان به واژۀ پروتستانتیسم اسلامی اشاره نکرده­اند اما با توجه به تعریفی که از واژۀ پروتستانتیسم اسلمی ارائه خواهد شد درمی­یابیم که ایشان به مصادیق پروتستانتیسم به طور صریح اشاره داشته­اند و در این زمینه هشدار جدی به ما داده­اند.

پروتستانتیسم اسلامي

پروتست در لغت به معنای اعتراض وپروتستان، اسم عمومی معتقدان به اصلاح آیین مسیح، پیروان آیین لوتر، یکی از شعب سه­گانۀدین مسیح که پیروان آن به رئیس روحانی «پاپ» عقیده ندارند[[16]](#footnote-16).

پروتستانها در اصطلاح معترضاني هستند كه به دنبال اصلاح امور ديني مي­باشند.«لوتر» و «كالون» از رهبران اصلي اين اصلاحات ديني بودند. به عقيدۀ لوتر، براي هر منطقه يك اسقف كافي است وديگر به پاپ نيازي نيست.شاهزادگان آلماني بلافاصله از انتقادها­ي اصلاحي لوتر حمايت كردند. لوتر قداست پاپ را برهم زد؛ همان­گونه كه قداست امور مقدس را ازبين برد. كالون، همانند لوتر از كشيش­هاي سوئيس بود، اقداماتي مشابه وي انجام داد.اين تلاشها موجب تأسيس مذهب جديدي در مسيحيت گرديدكه پروتستان ناميده شد؛ بدين ترتيت منتقدان ومعترضان اصلاح طلب، از كاتوليك­ها ، كه پاپ نماد آنان بود، جدا شدند[[17]](#footnote-17).

از الفاظ وعبارات که بگذریم ، پروژۀ پروتستانتیسم اسلامی،دست کم، دوگونه تقریر وتفسیر می­پذیردکه هرکدام مبانی وجهت گیری­های خاص خود را دارد.اتفاقاًهمین دو برداشت نیز از اصلاح دینی اروپا صورت گرفته است.در نگاه نخست، اصلاح دینی به فرآیندی از درون حوزۀ دین اطلاق می­شودکه سعی در پالایش فرهنگ دینی از کژی­ها ، کاستی­ها وپیرایه­ها دارد تا دین بتواند متناسب با اوضاع زمانه، برای حیات فردی و اجتماعی بشر، اثر بخش­تر و جهت­دهنده­تر باشد. اما از نگاه دیگر، اصلاح دینی به برنامه­ای گفته می­شود که به منظور تأویل درون مایه­های دین و باز­سازی عناصر فرهنگ دینی بر اساس الگو­های بیرونی وبرای­ آماده سازی شرایط برای­حضور مدرنیته وتمدن جدید غرب در جوامع دینی طراحی شده است. این دو نگاه را به ترتیب «اصلاح درون زا» و«اصلاح برون زا» می­نامند.

آشکار است که این دونگرش، هم در مبانی و ارکان وهم در آرمانها و الگوها با یکدیگر تفاوت اساسی واصولی دارند.این نکته نیز معلوم است که هردوجریان درتاریخ معاصر جهان اسلام نمایندگان پرآوازه­ای داشته­ است[[18]](#footnote-18).

بنابراين پروتستانتيسم اسلامي به معناي اول مثبت ومورد نياز حوزه وروحانيت مي­باشد. اما معناي دوم ، منفي است و حوزه وروحانيت بايد در صدد باشد كه دچار آن نشود واز خطر آن در امان باشد. در اين مقاله معناي مورد نظر از پروتستانتيسم اسلامي معناي دوم مي­باشد.

مصاديق پروتستانتيسم اسلامي

الف:خطر سکولاریسم

از تذکرات مهم واصلی رهبر انقلاب اسلامی توجه وهشدار به خطر نفوذ سکولاریسم در حوزه­های علمیه می­باشد.ایشان ضمن بیان این نکته که حوزه­های علمیه مرکز پیدایش وعامل رشد ونمو نظام اسلامی بوده، همواره بر وابستگی رشد وبالندگی نظام اسلامی به فعالیت جدی و اثرگذار حوزه و روحانیت در جهت برآورده کردن مطلوب نیازها­ی روز مبتنی بر آموزه­های دینی و فقهی تأکید داشته­اند.

1 ـ كناره گيري حوزۀ سکولار از مسائل نظام اسلامی

مراجع تقلید به عنوان الگوی حوزه وروحانیت قدردان نظام اسلامی می­باشند و مکرر، اعلام کرده­اندکه تضعیف نظام حرام می­باشد. لذا حوزه و روحانیت باید به تأسی از مراجع به تأیید نظام بپردازندو از مسائل آن کناره گیری نکنند. مقام معظم رهبری در این رابطه می­فرماید:«هیچ­کس در عالم روحانیت ، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی­تواند خودش را از نظام جدا بگیرد... .این­که یک آقایی در یک گوشه­ای عبایش را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظم کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. روحانی باید از وجود چنین نظامی که پرچمش اسلام است، قانونش فقه اسلامی است با همه وجود استقبال کند. مراجع تقلید کنونی، مکرر، متعدد ایشان به بنده گفتند که ما تضعیف این نظام را به هر کیفیتی حرام قطعی می­دانیم. خیلی­شان از روی لطف به من پیغام می­دهند یا می­گویند که ما تورا مرتباً دعا می­کنیم. این نشان دهندۀ قدر شناسی از نظام اسلامی است[[19]](#footnote-19).

حالا يك معممي يك گوشه­اي بيايد خودش را ازنظام كنار بگيرد؛ بهانه هم اين است كه ما فلان انتقاد را داريم.خيلي خوب، صدتا انتقاد داشته باش، دويست تايش به خود ما عمامه­اي­ها وارداست. مگر به ما انتقاد وارد نيست؟ وجود انتقاد وعيب در يك مجموعه مگر موجب مي­شود كه انسان اين همه محسنات ونقاط قوت را درآن مجموعه نبيند و ملاحظه نكند؟ در روحانيت هم همين جور است؛ عيوب الي ماشاءالله، بنده آخوندم، طلبه هستم، از قبل از بلوغ طلبه بودم تا الآن؛ بيائئد براي شما همين­جا يك فهرست از بر بنويسم. صدتا اشكال در ما هست؛ اما اين صدتا اشكال موجب مي­شود ما از روحانيت اعراض كنيم؟ ابداً. در مقابل اين صدتا اشكال، هزار تا حسن وجود دارد، در كسر وانكسار مصالح و مفاسد است كه انسان مي­تواند خط مستقيم را پيدا كند... .بنابراين حوزه­هاي علميه نمي­توانند سكولار باشند.اينكه ما به مسائل نظام كار نداريم، به مسائل حكومت كارنداريم ، اين سكولاريسم است[[20]](#footnote-20).».

2 ـ حوزه سکولار تأييد كننده دشمنان نظام

از آن­جایی که حوزه­های علمیه یک نماد دینی می­باشند. لازم است که از نظام اسلامی که برآمده از دین است حمایت کنند وبه اصلاح ضعف­ها و نقص­های آن همت گمارند و بهانه­های گوناگون، آنها را از این وظیفه منصرف نکند.لذا مقام معظم رهبری در این راستا می­فرمایند: « حوزۀ علمیه باید نظام اسلامی ـ همین نظام جمهوری اسلامی ـ را از خود بداند وبرای تکمیل ورفع نقص آن، همۀ کوشش خود را مبذول کند. این نظام از آن حرکت و نهضت عظیمی پدید آمده است که در همین مدرسۀ فیضیه ودر همین مسجد اعظم پایه­گذاری شد. نظام دینی است؛ نظامی است که بر اساس معارف و احکام دینی وارزشها­ی دینی شکل گرفته است. حوزه در مقابل چنین نظامی نمی­تواند بی تفاوت باشد. هیچ مصلحت و هیچ انگیزه شخصی یا صنفی یا سیاسی نمی­تواند وحق ندارد از حمایت حوزه نسبت به نظام مانع شود.

بدتر از حمایت نکردن ودر صدد تکمیل برنیامدن و کمر به اصلاح ضعفهای نظام نبستن این است که انسان به دشمنان نظام کمک کند! متأسفانه گاهی دیده می­شود که پست­ترین و رذلترین و بی­ارزش­ترین دشمنان نظام به وسیلۀ کسانی تأیید می­شوند. چرا؟ به چه بهانه­ای؟ چون در نظام، فلان نقص وجود دارد؟ وقتی نقص هست، باید دشمن نظام را تأیید کرد، یا باید تلاش کرد تا آن نقص برطرف شود[[21]](#footnote-21)؟»

3 ـ غفلت حوزۀ سكولار از تأثيرات انقلاب اسلامي بر رشد و بالندگي حوزه

نفوذ انديشه سكولاريستي در مركز روحانيت آنها را از اين موضوع غافل مي­كند كه موفقيت وبالندگي خود را مديون انقلاب اسلامي هستند. رهبر معظم انقلاب در اين باره مي­فرمايند:« حوزۀ علميه در اين دوران، جوهر حيات و رشد وبالندگي خود را مرهون انقلاب اسلامي و امام عظيم­الشأن آن و مجاهدتها­ي ايثار­گراني است كه به عشق دين خدا وبه اميد حاكميت آن، جان وتن خود را به ميدان فداكاري بردند«فمنهم من قضي نحبه ومنهم من ينتظر[[22]](#footnote-22)».

سیاست سلطه گران جهانی این بوده وهست که مرا کز دانش دین را منزوی، منفعل، بی­روحیه، بی­ابتکار، وابسته به خود وفارغ از آرمانها­ی بزرگ کنند. آنان را به جدایی دین از سیاست ، معتقد و از همگامی دین با تحولات شگرف جهانی مأیوس سازند، این ترفند نسبت به حوزه­های علمیه به کار رفته و تأثیراتی نیز کرده بود. انقلاب اسلامی که از حوزه وبه رهبری برجسته­ترین فرزندان و تربیت شدگان آن، سرکشید وامواج جهانی را در جهت عکس تدابیر و امید­های استکبار، هدایت کرد، حوزۀ علمیه را نیز درخشش و جذابیت و اعتباری تازه داد و بذر امید و روشن بینی وعشق به حرکت را در آن کاشت. خون پاک علما و فضلا و طلابی که در این راه جامۀ شهادت پوشیدند، به این نهال الهی رشد ورونق بی سابقه بخشید وآن­را تا دورانها­ی طولانی بیمه کرد. اکنون حوزه باید حق عظیم انقلاب و امام و شهدا و نفوس طیبه ایثارگر را همواره به یاد داشته باشد و ارزشها­ی انقلاب را به مثابه راز تجدید حیات، در خود حفظ کند و به کسانی که جاهلانه یا مغرضانه می­خواهندحوزه را به سمت هدفها­ی استکبار بکشانند، میدان ندهد[[23]](#footnote-23).».

4 ـ ناتواني حوزۀ سكولار در شناخت دشمن و اهداف سوء آن

نظام جمهوري اسلامي به طبيعت خود، نظامي وابسته به علماي دين است؛ وعلماي دين، هم از اين حيث كه در پديدآوردن اين نظام سهم وافر را داشته اند وهم از اين جهت كه مردم دربارۀ نظام به آنها مراجعه مي­كنند وهم از اين جهت كه خود از جهات مختلف و در مشاغل مختلف، در نظام مسئولند... .

بايد از وضعيت و موجوديت نظام، آن­چنان كه هست، مطلع باشند؛ نقايص را بشناسند و پيشرفت­ها را بدانند؛ آن­جا كه كمك لازم است، آن­را تشخيص بدهند؛ آن­جا كه دشمن به آن توجه پيدا كرده و هدف گرفته است، آن­را شناسايي كنند تا بتوانند نقش صحيح خود را در تداوم اين نظام ايفا كنند. حوزۀ علميه و علماي دين و جوامع ديني و روحاني نمي توانند از وضع نظام بي­خبر باشند وبي­خبر بمانند واين بي­خبري را تحمل كنند[[24]](#footnote-24).

ب:خطر انزوا

در مقابل تهاجم فرهنگ غرب و مدرنیته ، اگر روحانیت به وظایفش عمل نکند و فرهنگ معارضه و انقلابی بودن و مقابله با استبداد را نداشته باشد دچار انزوا خواهد شد.

انزوا در لغت به معنای گوشه نشینی از مردم و خانه نشینی می­باشد[[25]](#footnote-25). انزوا وگوشه­نشيني در قرآن و روايات به شدت مورد نكوهش قرار گرفته است. در حديثي از پيامبر اكرم (ص) آمده است: «يا علي نكند گوشه گيري كني . دوسال اگر راه مي­روي راه برو ولي با مادرت قطع رابطه نكن، يك سال راه برو كه فاميلت را ببيني، يك ميل راه برو كه يك مريض را عيادت كني، دو ميل راه برو كه به يك تشييع جنازه برسي( حضور در صحنه)، سه ميل پياده راه برو كه يك دعوت را مستجاب كني، چهار ميل راه برو كه يك برادري را ديدن كني، پنج ميل راه برو كه دردي را دوا كني، يك سال راه برو كه آه مظلومي را حمايت كني[[26]](#footnote-26).». مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از روحانیون و نیز در سخنرانیهای خود به این مسأله این­گونه اشاره کرده­اند:

1 ـ منزوی کردن روحانیت در جامعه

دشمنان کوشش کردند که علما را از صحنه­ها کنار ببرند؛ آنها را به کنج مساجد، مکتفی ودر آنجا منزوی کنند؛ تا حدود زیادی هم توفیق پیدا کردند! درهمان برهه هم، مردم از آگاهی­های دینی و حرکت عظیم دینی محروم شدند.این یک باب و فصل طولانی است... . اما حرکت عمومی علمای اسلام، به خصوص در دنیای تشیع و به برکت فرهنگ معارضه وانقلابی تشیع، در خدمت مردم و در مقابله با استبداد واستعمار و ظلم وامثال آن بود وکار به آن­جا رسید که بحمدالله نهضت عظیم ملت ایران به پیروزی رسید و حکومتی بر مبنای دین به وجود آمد. مسلمانان ومتدینان، بعد از چند سال تحقیر اهل دین، عزت نف پیدا کردند، احساس سربلندی کردند، زنده شدند واحساسات و شعور و هویت اسلامی در دنیای اسلام پیداشد[[27]](#footnote-27).

2 ـ اثر انزوا: عدم ارتباط با زندگي روزمرۀ مردم وجامعه

جامعۀ روحانيت بايد بتواند با مردم وزندگي روزمرۀ آنها ارتباط داشته باشد و كارهاي مهمي براي برآوردن نيازهاي مردم انجام دهد. اگر در جامعه­اي روحانيت دچار انزوا گردد در اين­صورت ارتباط روحانيت با مردم قطع مي­گردد و اين امر خطرناكي براي آن جامعه خواهد بود. رهبر معظم انقلاب امر مهم را اين­گونه بيان مي­كنند: «سعي استعمار در تمام عالم اسلام، اين بود كه يا علماي دين را از بين ببرد واز صحنه خارج كند؛ و يا اينكه هويت واقعي آنها را مخدوش و بي خاصيت كند. در بعضي از كشور­ها، جامعۀ روحانيت، محدود به يك مركز و دفتر كوچك شدكه برخي از كارهاي نه چندان مهم را انجام مي­داد وبا زندگي روزمرۀ مردم ، ارتباطي نداشت و فرد روحاني، حتي نمي­توانست به تعليم دين، مبادرت ورزد[[28]](#footnote-28).».

3 ـ نپذیرفتن تحول، موجب انزوای اجتماعی حوزه

یکی از عواملی که می­تواند جلوی انزوای روحانیت را در جامعۀ اسلامی بگیرد ایجاد تحول در حوزه­ها می­باشد.تحول یعنی به روز بودن، به هنگام جلو رفتن و از حوادث عقب نماندن.

یک واحدی را، یک موجودی را فرض کنیم که تن به تحول ندهد؛ از یکی از دوحال، خالی نیست: یا خواهد مرد؛ یا منزوی خواهد شد. یا در غوغای اوضاع تحول­یافته، مجال زندگی پیدا نمی­کند؛ زیر دست و پا له می­شود و از بین می­رود؛ یا اگر زنده بماند، منزوی خواهد شد... می­شود رفت؛ می­شود از تحول دوری گزید: اما با انزوا !! اگر حوزه بخواهد از تحول بگریزد ، منزوی خواهد شد؛ اگر نمیرد واگر زنده بماند. البته، مایۀ دین، مانع مردن می­شود؛ اما منزوی خواهد شد؛ روزبه­روز ، منزوی­تر خواهد شد[[29]](#footnote-29).

4 ـ جدا كردن دانشگاه از دين ، با هدف انزواي روحانيت

از جمله اقدامات نظام سلطه و استعمار گران اين بود كه دين را از دانشگاه جدا كنند و روحانيت را از چشم دانشگاهيان بيندازندو چهرۀ روحانيت را در جامعه زشت جلوه دهند.آنها مي­خواستند با اين اقدامات روحانيت را منزوي كرده تا راحت تر بتوانند به مقصود خويش برسند. حضرت امام خامنه­اي مدظله­العالي به اين خطر مهم توجه جدي داشته وآن­را اين­گونه به جامعۀ روحانيت گوشزد مي­كند:«در نيمۀ دوم سلطنت قاجاريان ودر دوران رضاخان، يعني از وقتي كه اروپايي­ها در ايران، مطامع جدي پيدا كردند، ... موضوع روحانيت و دستگاه آخوندي ... و خرد كردن وكوبيدن آن، از اهداف آنان شمرده مي­­شد. اين حركت از زمان ناصر الدين شاه شروع شد... يك وقت، فقط همين يك دستگاه قدرت بود... و شاه مي­ديدكه روحانيت هم، امر و قبض وبسط ونهي مي­كند؛ ونمي­توانست ببيند! زماني درهمين اندازه بود؛ اما بعد، انگيزه­هاي خارجي هم، برآن افزوده شد.راهش هم، همين بود كه بيايند دانشگاه­هارا كه آيندۀكشور به دست آنها مي­افتد، از دين و روحانيت جدا كنند.

 آنان براي رسيدن به اين مقصود، تلاش كردند وموفق هم شدند! ... از اواخر پهلوي اول تا اواخر پهلوي دوم، ادامه پيداكرد؛ ... هدف،... اين بود كه وقتي صحبت از آخوند مي­شود، در نظر­گاه مجموعۀ دانشگاهي، فردي اولاً بي­سواد وجاهل، تصور شود كه خيال مي­كندامور تحقيقي او، علم است؛ ولي اصلاً از علم و معلومات وبينش وسواد، بويي نبرده­است! دوم، اينكه روحاني، اهل دنيا و اهل اوقاف خوري و چاپييدن اين وآن،وسركيسه كردن مردم به شيوۀ رمالها وفال­گيرهاست[[30]](#footnote-30)!».

ج:خطر تحجر

مقام معظم رهبری بارها در سخنان خود تأکید کرده­اندکه حوزه ورو حانیت باید مراقب باشند تا دچار تحجر وتعصب نشوند.تحجر وتعصب درواقع یکی از مصادیق پروتستانتیسم اسلامی می­باشد که می­تواند مانع تحول ورشد لازم در دستگاه روحانیت شود وآنها را به سکوت وسکون و رکود بکشاند. این افراد مورد نکوهش قرآن مجید قرار گرفته­اند،آن­جا که می­فرماید:«ولکن قست قلوبهم،وزین لهم الشیطان ماکانوا یعملون؛چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید،تسلیم نشدند؟بلکه دلهای آنان قساوت پیداکرد.وشیطان هر کاری را که می­کردند، در نظرشان زینت داد[[31]](#footnote-31)!».

1 ـ معنای تحجر ازنگاه مقام معظم رهبری

تحجر را با حفاظت بر اصول وارزشها،اشتباه نکنید.اصول حوزوی باید حفظ بشود؛این غیراز تحجر است.معنای تحجر، این است که ما نیازهای ضروری ولازم را برای حرکت علمی خودمان،ندیده بگیریم؛این،معنای تحجراست.اگر چیزی برای پیشرفت علمی شما لازم است، باید آن­را فراهم کنید.اگرراهی،میان­بر یا بی­خطر یا پر­بار­تر است،بایدآن­راه را شناسایی کنید؛بعدهم،وسایل حرکت از آن راه را فراهم کنید.برو برگرد، ندارد! اگردوپارا در یک کفش کردیدوگفتید:«نه آقا!من،همیشه ازاین طرف رفتم؛حالاهم،ازاین طرف می­روم!»طبیعی است که خراب خواهد شد؛ضربه می­خورد... تحجر در روشها ودر افکار،بلای بزرگی است.اگر تحجر باشد،هیچ تحولی،هیچ حرکتی وهیچ جا­به­جایی انجام نخواهد گرفت[[32]](#footnote-32).

نگاه نوبه مسائل نكردن،گذران تاريخ وتحول فكر انسانها را نديده گرفتن، تعالي وترقي فكر وانديشه وراه­هاي زندگي را انكار كردن،اين تحجر است!هر دانشي را كه شما نگاه كنيد، تعالي وپيشرفت آن دانش فريادي عليه تحجر است! اگر قرار بود ايستايي وپا فشردن برهرآنچه عادت كرده ايم آن­را ببينيم، چيز خوبي باشد، اصول ما هم پيشرفت نمي­كرد؛ فقه ماهم،از هزار سال پيش تا به حال،اين همه تحولات وپيشرفتهارا پيدا نمي­كرد.در همۀ امور زندگي، اين­طور است؛تحجر،يكي از بزرگترين آفات است[[33]](#footnote-33).

2 ـ تحجر، بلای اصلی حوزۀ علمیه

تحجر بلای اصلی است! چرا می­گوییم بلای اصلی؟برای خاطراینکه تحجر،موجب می­شود که تحول انجام نگیرد؛تحول که انجام نگرفت،پوسیدگی ومردگی پیش می­آید.علتش،این است که خیلی از بلاها، ممکن است به جان وجسم حوزه­ها بخورد؛اما به نظر من، این از همه، مهم­تراست؛برای خاطر اينكه نمي­گذارد تحول لازم انجام بگيرد؛تحول كه نشد،آن وقت،سكون،سكوت،عدم تحرك وركود،پيش مي­آيدو پوسيدگي به سراغ حوزه­ها خواهد آمد[[34]](#footnote-34).

3 ـ سهل انگاری وتحجر ، دو آفت ارائه معارف دینی

یکی از موانع در این را ه(ارائه ناب وخالص معارف الهی به جامعه)،عبارت است از سهل انگاری؛یعنی هر حرفی که به ذهن کسی برسد،به عنوان دین بگوید؛هرغیر متخصص وناواردی،آنچه را به سلیقۀ خودش خوب می­آید،­به دین نسبت دهد و منعکس کند!­این آفت است که به اشتباه­ها،­به انحراف­ها،­به التقاط­ها،به کج­روی­های فکری وعلمی وبه دنبال آن، به فاجعه­های اجتماعی،منتهی می­شود.

آفت دوم،تحجر­ها،بدفهمی­ها،تشخیص ندادن مطالب مهم و عمده کردن مطالب کوچک است.بین این دو،صراط مستقیم الهی راباید پیداکردواین­کار،کارشما جوانان است؛کارشمافضلای حوزه است؛کارشما علمای معظم است که بایدتحت اشراف بزرگان واعلام ومراجع بزرگ دینی،در حوزه­ها انجام بگیردکه بحمدالله به برکت انقلاب،این­کارها شروع شده است.حالا با روند­های تند یا کند یا متناسب،به هر حال،این کار­ها شروع شده است؛باید اینهارا دنبال کنید[[35]](#footnote-35).

 نتيجه گيري

باتوجه به اينكه پروتستانتيسم اسلامي به تعبيري به معناي انزوا و تحجر و هجوم مدرنيته در جوامع ديني است لازم مي­آيد كه حوزه و روحانيت به عنوان متوليان دين وظيفۀ خود را به درستي ­انجام

دهند تا جامعۀ اسلامي از خطر پروتستانتيسم در امان باشد.لذا برآن شديم تا اين مسئله را از ديدگاه مقام معظم رهبري بررسي كرده وبه بيان مصاديق آن بپردازيم. آنچه از اين مقاله به دست مي­آيد اين است كه حوزه وروحانيت وظايف خود را در قبال هجمۀ غرب ومدرنيته خواهند شناخت و به فوائد عمل كردن به وظايف خود؛مثلاًحضور فعال روحانيون در جامعه،تحول وبه روز بودن و... دست خواهند يافت وهم­چنين مخاطراتي را كه در صورت اهمال وظيفه در پي داردخواهند شناخت.آن­چه در اين مقاله بدان پرداخته شد برخي مصاديق پروتستانتيسم اسلامي از ديدگاه مقام معظم رهبري مي­باشد و نياز است كه ابعاد اين مسأله به طور همه جانبه و از منظر ديگر عالمان ديني نيز بررسي و تحقيق شود.

فهرست منابع

\*قرآن

منابع فارسي

1.ادارۀ ارتباطات دبير خانۀ شوراي عالي حوزه­هاي علميه، **حوزه وروحانيت در نگاه رهبري**، قم، نينوا،چاپ اول، 1389ه،ش.

2.خامنه­اي، علي**، بدان أيدك الله**(نصايح رهبر معظم انقلاب اسلامي مدظله­العالي به طلاب)،تهران، انتشارات انقلاب اسلامي(وابسته به مؤسسه پژوهشي فرهنگي انقلاب اسلامي)،چاپ سوم،1395ه،ش.

3.----------،**حوزه وروحانيت در آينه رهنمود هاي مقام معظم رهبري**،قم،سازمان تبليغات اسلامي،چاپ اول،1375ه،ش.

4.دهخدا،علي اكبر**،لغت نامه دهخدا**،تهران،مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران،1377ه.ش.

5. عميد،حسن، **فرهنگ عميد**،تهران،انتشارات اميركبير،چاپ دهم،1376ه،ش.

6. قاسمي،علي**،«پروتستانتيسم اسلامي،پروژۀناتمام شريعتي»**،بازتاب انديشه،شماره 27، 1381ه،ش.

7. لك زايي،نجف،**تاريخ فرهنگي سياسي ايران معاصر**،قم، مركز نشر هاجر،چاپ سوم،1391ه،ش

8.سخنراني مقام معظم رهبري در مراسم بيت ائمه جمعه وروحانيون استان مازندران واصفهان وعلماي طلاب كشورهاي اسلامي مقيم ايران،4/4/1368.

9.سخنراني مقام معظم رهبري درديدار با جمعي از روحانيون در آستانۀماه مبارك رمضان،22/12/1369.

10.سخنراني مقام معظم رهبري در جمع علما ومدرسان و فضلاي حوزۀ علميه قم،30/11/1370.

11.پيام به جامعۀ مدرسين حوزۀ علميه قم به مناسبت تشكيل شوراي سياست گذاري حوزه،24/8/1371.12.

12.بيانات مقام معظم رهبري در جمع روحانيون استان سمنان،17/8/1375.

13.بيانات مقام معظم رهبري درديدار با طلاب حوزۀ علميه مشهد،22/4/1376.

14.بيانات مقام معظم رهبري درديدارروحانيون ومبلغان در آستانه ماه مبارك رمضان،23/9/1377.

15.بيانات مقام معظم رهبري در جمع اساتيد،فضلا و طلاب حوزۀعلميه قم در مدرسۀفيضيه،14/7/1379.

16. بيانات مقام معظم رهبري درديدارعلما و روحانيون استان همدان،15/4/1383.

17. بيانات مقام معظم رهبري درديدار جمعي از اساتيد، فضلاو مبلغان وپژوهشگران حوزه­هاي علميه كشور،8/9/1386.

18. بيانات مقام معظم رهبري درديدارروحانيون وطلاب تشيع وتسنن كردستان،23/2/1388.

19. بيانات مقام معظم رهبري درديدارطلاب،فضلا واساتيد حوزۀعلميه قم،29/7/1389

20 . بيانات مقام معظم رهبري درديدارعلما و روحانيون استان خراسان شمالي،19/7/1391.

منابع عربي

1.ابن بابويه(شيخ صدوق)،محمدبن علي،**من لايحضره الفقيه**،قم،جماعةالمدرسين في الحوزةالعلميه،بي تا.

1. .طلبه سطح 2 حوزه علميه كوثر ورامين،vasatayerah@gmail.com [↑](#footnote-ref-1)
2. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم ، 29/7/1389 [↑](#footnote-ref-2)
3. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم ، 29/7/1389 [↑](#footnote-ref-3)
4. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار علما وروحانيون استان همدان، 1/4/1383 [↑](#footnote-ref-4)
5. . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب ، فضلا و اساتید حوزۀ علمیۀ قم ، 29/7/1389 [↑](#footnote-ref-5)
6. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار روحانيون وطلاب تشيع وتسنن كردستان، 23/2/1388 [↑](#footnote-ref-6)
7. . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون استان همدان، 15/4/1383 [↑](#footnote-ref-7)
8. . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون استان همدان، 15/4/1383 [↑](#footnote-ref-8)
9. . بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون استان سمنان ،17/8/1385 [↑](#footnote-ref-9)
10. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم ،29/7/1389 [↑](#footnote-ref-10)
11. . بیانات مقام معظم رهبری در دیدارطلاب ، فضلا و اساتید حوزۀ علمیه قم،29/7/1389 [↑](#footnote-ref-11)
12. . خامنه اي، حوزه وروحانيت در آينه رهنمودها­ي مقام معظم رهبري، ج1، ص121 [↑](#footnote-ref-12)
13. . بیانات مقام معظم رهبری دردیدار روحانیون وطلاب تشیع وتسنن کردستان، 23/2/1388 [↑](#footnote-ref-13)
14. . بیانات مقام معظم رهبری دردیدار روحانیون وطلاب تشیع وتسنن کردستان، 23/2/1388 [↑](#footnote-ref-14)
15. . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون وطلاب تشیع وتسنن کردستان،23/2/1388 [↑](#footnote-ref-15)
16. . عميد، فرهنگ عميد، ص328 [↑](#footnote-ref-16)
17. . لک زایی، تاریخ فرهنگی سیاسی ایران معاصر،ص243-242 [↑](#footnote-ref-17)
18. . قاسمي، پروتستانتيسم اسلامي پروژۀ ناتمام شريعتي،ص30 [↑](#footnote-ref-18)
19. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار علما و روحانيون خراسان شمالي،19/7/1391 [↑](#footnote-ref-19)
20. . خامنه­ای،بدان أیدک الله( نصایح رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله)به طلاب )،ص97-96 [↑](#footnote-ref-20)
21. . بيانات مقام معظم رهبري در جمع اساتيد، فضلاء وطلاب حوزۀ علميۀ قم در مدرسه فيضيه،14/7/1379 [↑](#footnote-ref-21)
22. . احزاب:23 [↑](#footnote-ref-22)
23. . پيام به جامعۀ مدرسين حوزۀ علميه قم به مناسبت تشكيل شوراي سياست­گذاري حوزه، 24/8/1371 [↑](#footnote-ref-23)
24. . سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع علما ومدرسان و فضلای حوزۀ علمیۀ قم، 30/11/1370 [↑](#footnote-ref-24)
25. . دهخدا، لغت نامه دهخدا،ج2،ص315 [↑](#footnote-ref-25)
26. . من لایحضره الفقیه، ج4، ص358 [↑](#footnote-ref-26)
27. . سخنراني مقام معظم رهبري در ديدار با جمعي از روحانيون در آستانۀ ماه مبارك رمضان، 22/12/1369 [↑](#footnote-ref-27)
28. . سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم بیت ائمه جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علمای طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران، 4/4/1368 [↑](#footnote-ref-28)
29. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار جمعي از اساتيد، فضلا ومبلغان و پژوهشگران حوزه­هاي علميه كشور، 8/9/1386 [↑](#footnote-ref-29)
30. . ادارۀ ارتباطات دبیرخانۀ شورای عالی حوزه­های علمیه،حوزه وروحانیت در نگاه رهبری (مدظله­العالی) از سال 1368تا1388 ، ص103-102. [↑](#footnote-ref-30)
31. . انعام:43 [↑](#footnote-ref-31)
32. . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار با طلاب حوزۀ علميه مشهد،22/4/1376 [↑](#footnote-ref-32)
33. .همان، حوزه وروحانیت در نگاه رهبری،ص517 [↑](#footnote-ref-33)
34. . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب حوزۀ علمیه مشهد،22/4/1376 [↑](#footnote-ref-34)
35. . بيانات مقام معظم رهبري درديدار روحانيون ومبلغان در آستانۀ ماه مبارك رمضان،23/9/1377 [↑](#footnote-ref-35)